

برای حمایت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۹۲۹/۶ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایراندک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدفهای علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایه قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوطه شذنی است.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A.)
گرایش: حقوق عمومی

عنوان:

تبیین مفهوم نافرمانی مدنی و بررسی اشکال آن در قوانین موضوعه

استاد راهنما:

دکتر جمال کامیاب

استاد مشاور:

دکتر اسدالله یآوری

پژوهشگر:

رضا خدایاری

تابستان ۱۳۹۳

تقدیم به:

محضر ارزشمند پدر و مادر عزیزم به خاطر همه تلاشهای محبت‌آمیزی که در دوران مختلف زندگی‌م انجام داده‌اند.
برادر و خواهر مهربانم به پاس دلگرمی و زحمات بی‌پایانشان که بدون وجود آنها طی این مسیر ممکن نبود.

تشکر و قدردانی:

جناب آقایان دکتر جمال کامیاب و دکتر اسدالله یآوری، اساتید راهنما و مشاور شما روشنائی بخش تاریکی جان هستید و ظلمت اندیشه را نور می بخشید. چگونه سپاس گویم مهربانی و لطف شما را که سرشار از عشق و یقین است. چگونه سپاس گویم تأثیر علم آموزی شما را که چراغ روشن هدایت را بر کلبه‌ی محقر وجودم فروزان ساخته است. آری در مقابل این همه عظمت و شکوه شما مرا نه توان سپاس است و نه کلام وصف. فقط می‌توانم بگویم سپاسگذارانم که بنده را در این راه، از حضورتان محروم نکرده و با صبری مثال‌زدنی راهنماییم کردید.

استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محمد جلالی سپاس‌گذارانم برای قبول زحمت داوری و استادی شاگرد کوچکتان.

در انتها از جناب آقای دکتر بابک درویشی کمال تشکر را دارم. ایشان در زندگی من یک استاد، یک راهنما، یک دوست، یک مشوق و هزاران یک دیگر بوده و هستند.

بسمه تعالی

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب رضا خدایاری دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۹۰۰۷۱۶۹۲۷ در رشته حقوق عمومی که در تاریخ ۱۰/۰۴/۱۳۹۳ از پایان نامه خود تحت عنوان:

تبیین مفهوم نافرمانی مدنی و بررسی اشکال آن در قوانین موضوعه

با کسب نمره ۱۷/۵ و درجه بسیار خوب دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می‌شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

منشور اخلاق پژوهش

با یاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضرخداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه دراعتلای فرهنگ و تمدن بشری ، مادانشجویان و اعضاء هیأت علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را درانجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرارداده واز آن تخطی نکنیم :

- ۱- اصل حقیقت جویی : تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن ودوری ازهرگونه پنهان سازی حقیقت
- ۲- اصل رعایت حقوق : التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان ، حیوان و نبات) وسایر صاحبان حق .
- ۳- اصل مالکیت مادی ومعنوی:تعهد به رعایت مصالح ملی ودرنظرداشتن پیشبردوتوسعه کشوردرکلیه مراحل پژوهش
- ۴- اصل منافع ملی : تعهد به رعایت مصالح ملی و درنظر داشتن پیشبرد وتوسعه کشور درکلیه مراحل پژوهش
- ۵- اصل رعایت انصاف وامانت : تعهد به اجتناب ازهرگونه جانبداری غیرعلمی وحفاظت ازاموال ، تجهیزات ومنابع دراختیار
- ۶- اصل راز داری : تعهد به صیانت ازاسرار واطلاعات محرمانه افراد ، سازمان ها وکشوروکلیه افراد ونهادهای مرتبط با تحقیق .
- ۷- اصل احترام : تعهد به رعایت حریم ها وحرمت ها درانجام تحقیقات ورعایت جانب نقد و خودداری ازهرگونه حرمت شکنی .
- ۸- اصل ترویج : تعهد به رواج دانش واشاعه نتایج تحقیقات وانتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر ازمواردی که منع قانونی دارد .
- ۹- اصل برائت : التزام به برائت جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای واعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم وپژوهش را به شائبه های غیرعلمی می آلاینند .

بسمه تعالی

در تاریخ: ۱۳۹۳/۰۴/۱۰

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای رضا خدایاری از پایان نامه خود دفاع نموده و با
نمره بحرّوف و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما:

بسمه تعالی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی
 (این چکیده به منظور چاپ در پژوهش‌نامه دانشگاه تهیه شده است)

نام واحد دانشگاهی: تهران مرکزی واحد: ۱۰۱ کد	کد شناسایی پایان نامه: ۱۰۱۲۰۸۰۸۹۱۲۰۲۰
عنوان پایان نامه: تبیین مفهوم نافرمانی مدنی و بررسی اشکال آن در قوانین موضوعه	
نام و نام خانوادگی دانشجو: رضا خدایاری شماره دانشجویی: ۹۰۰۷۱۶۹۲۷ رشته تحصیلی: حقوق عمومی	تاریخ شروع پایان نامه: ۱۳۹۱/۱۲/۰۲ تاریخ اتمام پایان نامه: ۱۳۹۳/۰۴/۱۰
استاد راهنما: دکتر جمال کامیاب استاد مشاور: دکتر اسدالله یآوری	
چکیده: نافرمانی مدنی مفهومی است که علاوه بر دانش‌هایی همچون فلسفه یا سیاست، در شاخه‌های مختلف دانش حقوق همچون فلسفه حقوق، حقوق اساسی و حقوق جزا نیز مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. آنچه در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته می‌شود تبیین مفهوم نافرمانی مدنی و بررسی اشکال آن در قوانین اساسی و موضوعه جمهوری اسلامی ایران است. شاید پیش از هر چیز چنین به نظر آید که مفهوم نافرمانی، جایگاهی در قانون اساسی یا قوانین موضوعه ایران ندارد. با این حال چنان که استدلال خواهد شد، نظام مردسالاری دینی از دو طرف، جایگاهی را به نافرمانی مدنی اختصاص داده است: اول؛ از طرفی به سبب تبار دموکراتیک و مردم سالارانه خود و دوم؛ به سبب آنکه نافرمانی مدنی در سنت اسلامی، سیره‌ی اسلامی و فقه سیاسی، دارای انعکاس و اعتبار است. با این وجود این مسئله به معنای آن نیست که نافرمانی مدنی جایگاه مستحکم و کاملاً پذیرفته شده‌ای در حقوق اساسی کشورمان داراست. زیرا از سویی وجود چالش‌های مفهومی در خود واژه «نافرمانی مدنی» و از سوی دیگر وجود برخی تناقضات میان قانون اساسی، قوانین موضوعه و احکام فقهی، راه درازی تا پذیرش نافرمانی مدنی و مستحکم شدن جایگاه آن در ایران به وجود آورده است.	
واژگان کلیدی: نافرمانی مدنی، دولت، نظارت، قانون، اعتراض، راهپیمایی، اخلاق	

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه مناسب است تاریخ و امضا:

مناسب نیست

فهرست تفصیلی مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
فصل اول: مفاهیم، مبانی نظری	۷
مبحث اول: مفاهیم	۹
گفتار اول: بررسی ماهیت و شناخت ویژگی‌های نافرمانی مدنی	۱۱
بند اول: تعاریف	۱۱
اول: از منظر فلسفه سیاسی	۱۳
دوم: از منظر فلسفه حقوق	۱۵
بند دوم: انواع نافرمانی مدنی	۱۷
بند سوم: ویژگی‌ها	۲۱
اول: شرافت آمیز بودن	۲۱
دوم: ارتباطگیرانه بودن	۲۱
سوم: علنی بودن	۲۲
چهارم: عدم‌خشونت یا مسالمت آمیزبودن	۲۲
پنجم: پذیرش مجازات	۲۳
گفتار دوم: نافرمانی مدنی در انواع رژیم‌های سیاسی	۲۴
بند اول: در رژیم دموکراتیک	۲۴
بند دوم: در رژیم استبدادی	۲۶
بند سوم: در رژیم توتالیتر	۲۶
مبحث دوم: سیر تحولات مفهومی نافرمانی مدنی	۲۸
گفتار اول: خاستگاه فرمانی مدنی	۲۹
گفتار دوم: نافرمانی مدنی در طول تاریخ	۳۰
مبحث سوم: چالش‌ها و موانع پیش روی نافرمانی مدنی	۳۵
گفتار اول: چالش‌ها	۳۶
بند اول: حاکمیت قانون	۳۶
بند دوم: حق اکثریت	۳۹
بند سوم: مصلحت عمومی	۴۰
بند چهارم: اغتشاش	۴۱
گفتار دوم: موانع	۴۳
بند اول: موانع حقوقی	۴۳

بند دوم: موانع غیرحقوقی.....	۴۶
فصل دوم: شناسایی نافرمانی مدنی در اسناد بین‌المللی، اسلام و قوانین موضوعه ایران.....	۴۷
مبحث اول: اسناد بین‌المللی.....	۴۹
گفتار اول: اسناد جهانی.....	۵۰
بند اول: منشور سازمان ملل.....	۵۰
بند دوم: اعلامیه جهانی حقوق بشر.....	۵۱
بند سوم: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.....	۵۴
بند چهارم: میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.....	۵۴
گفتار دوم: اسناد منطقه‌ای.....	۵۵
بند اول: کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر.....	۵۵
بند دوم: کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.....	۵۵
بند سوم: منشور آفریقایی حقوق بشر.....	۵۷
بند چهارم: اعلامیه حقوق بشر اسلامی.....	۵۷
مبحث دوم: نافرمانی مدنی در اسلام.....	۵۹
گفتار اول: مفهوم.....	۶۰
گفتار دوم: نمونه‌های نافرمانی مدنی در اسلام.....	۶۴
بند اول: پیامبر اکرم (ص).....	۶۴
بند دوم: امامان معصوم.....	۶۵
گفتار سوم: نافرمانی مدنی در فقه سیاسی شیعه.....	۶۷
بند اول: نافرمانی مدنی و بغی.....	۶۸
بند دوم: حقوق مخالف سیاسی در جامعه دینی.....	۶۹
بند سوم: مطالعات فقهی جدیدتر.....	۷۱
گفتار سوم: امر به معروف و نهی از منکر.....	۷۳
بند اول: تعریف واژگان امر به معروف و نهی از منکر.....	۷۳
بند دوم: امر به معروف و نهی از منکر در روایات.....	۷۴
بند سوم: امر به معروف و نهی از منکر به مثابه ابزار نافرمانی مدنی.....	۷۶
مبحث سوم: ابزارهای مورد نیاز برای نافرمانی مدنی.....	۸۰
گفتار اول: آزادی در انتشار و دستیابی به اطلاعات.....	۸۰
گفتار دوم: آزادی در عقیده و بیان آن.....	۸۵
مبحث چهارم: اشکال نافرمانی مدنی در حقوق ایران.....	۸۸
گفتار اول: اعتراض قانونی.....	۹۰

۹۰	بند اول: اعتراض به مراجع قانونی.....
۹۳	بند دوم: روش‌های مبتنی بر دموکراسی مستقیم.....
۹۵	گفتار دوم: اجتماعات و راهپیمایی‌ها.....
۹۶	گفتار سوم: عدم تبعیت از قوانین و ایجاد اختلال در اجرای قوانین.....
۹۸	گفتار چهارم: نافرمانی مدنی از طریق ابزارهای فرهنگی.....
۹۹	گفتار پنجم: نافرمانی مدنی در فضای مجازی.....
۱۰۴	نتیجه‌گیری
۱۰۸	منابع و مأخذ

مقدمه

نافرمانی مدنی در خصوص کسانی صدق پیدا می‌کند که نه برای خود و نه برای دیگران وظیفه پی‌جویی یک گسست یا تغییر قانون اساسی را قائل نیستند و مشروعیت بنیادین حکومت و جامعه را پذیرفته‌اند. نافرمانی مدنی را می‌توان آگاه‌سازی دولت از اشتباهات خود و ترمیم مردمی ساختار سیاسی حاکم بر جامعه دانست. حاکمیت حاضر در کشور ما یک نظام کلامی و مردمی است که با اکثریت ۹۸/۲ درصد آراء، مورد تایید مردم قرار گرفته است. پس اکثریت، اصل و شالوده آنرا قبول دارند. اما قطعاً با توجه به مواردی همانند تحریم‌ها و کمبود امکانات داخلی و ضعف‌های مدیریتی، مشکلاتی در اداره امور کشور پدید می‌آید.

یکی از راهکارهای سامان دادن به این مشکلات، نظارت مردم بر دولت است که اگر سازمان‌یافته و شناسنامه‌دار باشد قطعاً به شناسایی و رفع کاستی‌های موجود در جامعه می‌انجامد.

بیان مسئله

در طول تاریخ مشاهده می‌شود که همواره تمامی حکومت‌ها در مقابل نافرمانی مدنی قاطعانه برخورد و آن را به شدت سرکوب می‌کنند، اما همین که نافرمانی مدنی به بار نشست همه اتفاقات و اعمال گذشته خود را از یاد برده و به گونه‌ای برخورد می‌کنند که گویی خودشان آزادی به بار آورده‌اند و چنان نافرمانان مدنی را که افرادی مانند سقراط (فیلسوف، ۳۹۲-۴۷۰ ق.م)؛ مهاتما گاندی (رهبر آزادی بخش هند، ۱۸۶۹-۱۹۴۸ م)؛ هنری دیوید ثورو (طبیعی‌دان و فیلسوف آمریکایی، ۱۸۱۷-۱۸۶۲ م)؛ لئو تولستوی (نویسنده روسی، ۱۸۲۸-۱۹۱۰ م)؛ امام خمینی (ره) (۱۲۸۱-۱۳۶۸ ش)؛ مارتین لوتر کینگ (مبارز ضد نژادپرستی در آمریکا، ۱۹۲۹-۱۹۶۸ م) و نلسون ماندلا (رهبر آزادی بخش آفریقا، ۲۰۱۳-۱۹۱۸ م) در بین آنها هستند را همانند قدیسان می‌ستایند که انگار همین دیروز نبود که همانند مجرمان با این افراد برخورد می‌کردند!!!

سقراط درباره نافرمانی مدنی بیان می‌کند: اگر شهروند احساس کند که قوانین دولت ناعادلانه است، می‌تواند با تبعیت از روندی خاص، دولت را از خطای خودآگاه کند.^۱

^۱ - بووی، نورمن - سیمون، رابرت، نافرمانی مدنی: تأملی در رابطه نظم و قانون، ترجمه: تبسم آتشین جان، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹،

گاندی پیام عدم خشونت می دهد: چشم در مقابل چشم دنیا را کور می‌کند. آنجا که اندیشه برتر از جان آدمی- همین پوست و گوشت و ریشه- می‌نشیند، خشونت زاده می‌شود. آدمی برتر از هر اندیشه و مرامی است، و هیچ انسانی را نسزد که به خاطر باور و عقیده‌ای جاننش ستانده شود.^۲ برای تصدیق تفکر گاندی در مکتب اسلام نیز می‌توان به تقیه کردن^۳ اشاره کرد که برای حفظ جان مسلمانان در شرایط ویژه و بحرانی توسط شارع مقدس وضع شده است.

تفکری که شاید سرمنشع حل اکثر مشکلات جوامع بشری باشد یکی از پایه‌های بنیادین تفکر گاندی بنام اصل «مدارا» است. برای گاندی، مدارا تنها در احترام به عقاید دیگران خلاصه نمی‌شود. گاندی می‌گوید: هر کس از دیدگاه خود، خویشتن را محق می‌داند، اما غیرممکن نیست که همه‌ی آنچه «حق» پنداشته می‌شود، باطل باشد. پس لزوم مدارا از همین نکته احساس می‌شود. مدارا به معنای بی‌تفاوتی به اعتقاد خویشتن نیست، بلکه عشقی است بسیار خالص‌تر و بسیار هوشمندانه‌تر از اعتقاد شخصی. مدارا قدرت نفوذ معنوی می‌بخشد، همان اندازه دور از تعصب که قطب شمال، از قطب جنوب. او اصل عدم توسل به زور را اولین و آخرین آیه‌ی شریعت خود می‌داند.^۴

با تدقیق در تفکر گاندی درمی‌یابیم زمانی که حکومت‌ها برای حفظ قدرت، از خشونت استفاده کنند و سپس عنان قدرت را از دست بدهند (در تمامی حالات ممکن تغییر قدرت، همانند انقلابها، تغییر جناح حاکم، پیروزی حزب رقیب و...)، بر اساس همان رفتار خشن و ناصحیح، با رفتاری متقابل و در اکثر موارد بدتر و خشن‌تر از سوی رقبای صاحب قدرت مواجه می‌شوند. این یک اصل فنا ناپذیر در دنیاست و تا زمانی که افراد نتوانند با مخالفین خود بصورت مسالمت‌آمیز حل اختلاف کنند، سیر انتقام‌گیری و خشونت‌زایی ادامه می‌یابد.^۵

برای مثال می‌توان به تجمعات چند سال قبل معلمان در مورد مطالبات معوقه خود اشاره کرد که به خشونت و دستگیری عده‌ای از معلمان انجامید. در این قضیه، اهمیت موضوع در این نیست که انگیزه این افراد سیاسی است یا صنفی یا سیاسی-صنفی،^۶ بلکه این موضوع اهمیت دارد که نباید با استفاده از سیاسی کردن و تفسیر موسع و

^۲ - مهرانی، بهزاد، «گاندی پیام آور عدم خشونت» چه نیازی به گاندی است؟، مجله فردوسی، شماره ۶۳ و ۶۲، اسفند ۱۳۸۶-فروردین ۱۳۸۷، ص ۴۰.

^۳ - در مواردی شخص مسلمان می‌تواند از باب مماشات عمل به قانون شرع را ترک کند، رک به جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، نشر گنج دانش، تهران، ۱۳۹۰ص ۱۶۷.

^۴ - مهرانی، پیشین، ص ۴۰.

^۵ - آیا بشر می‌تواند بدون خشونت زندگی کند؟ پرسشی که با توجه به شاخصه‌های روانشناختی پاسخ داده شده است. رک به آزاد، پیمان، خشونت و آرمان عدم خشونت، مجله فردوسی، شماره ۶۲ و ۶۳، اسفند ۱۳۸۶- فروردین ۱۳۸۷، صص ۴۳-۴۴.

^۶ - برای مطالعه بیشتر رجوع شود به، سه روایت از یک رویداد: سیاسی؛ صنفی؛ سیاسی-صنفی، مجله فردوسی، شماره ۶۳ و ۶۲، اسفند ۱۳۸۶- فروردین ۱۳۸۷، ص ۳۰.

منفعت‌طلبانه از اصول قانون اساسی و آزادی‌های بنیادین افراد، درصدد سیاسی کردن و یا برخلاف دین جلوه دادن و به تناوب آن حذف ناصحیح اعتراضات و تفکر غلطِ جلوگیری از ایجاد موارد مشابه بود. این شیوه برخورد باعث ایجاد خفگان و بسترساز فعالیت‌های تلافی‌جویانه و خشونت‌بار در جامعه می‌شود. متأسفانه در دهه اخیر کشورهای همسایه را درگیر این قبیل چرخه‌ها می‌بینیم.

در جامعه، هم دولت و هم مردم باید در راستای فراهم‌سازی بستر مناسب برای ایجاد، حفظ و ارتقای فرهنگ مدارا، احترام به عقاید و باورهای دیگران، گفت‌وگو، انتقادپذیری، عدم خشونت، عدم تخریب چهره‌ها و شخصیت‌ها، استفاده از تمامی ظرفیت‌های جامعه و پرهیز از انتقام‌گیری‌های سیاسی و جناحی حرکت کنند همان‌طور که بعد از سقوط رهبر آپارتاید، ماندلا در سخنرانش عنوان کرد که تمامی زحماتی که آن شخص برای این سرزمین کشیده محترم است و همه جا باید بیان شود اما آخر سخنانتان کوچک بنویسید که او یک نژادپرست بوده است. یا گاندی که ضارب خود را قبل از مرگ با هدف ریشه‌کن کردن حس انتقام و خشونت در هندوستان و جهان عفو می‌کند.

اهمیت پژوهش

در قرن بیستم جنبش‌های برابری طلبانه بسیاری کوشیده‌اند تا با استفاده از نافرمانی مدنی در برابر قوانین ظالمانه مقاومت کنند. جنبش استقلال هند، جنبش برابری سیاهان در آمریکا، جنبش ضد جنگ ویتنام و جنبش‌های هوادار حفاظت از محیط زیست از این دست هستند. یک مشکل اساسی تاریخ حیات بشر فقدان حکومت قانون شناخته می‌شد. اما اینکه حکومت قانون خود بخواد با تصویب قوانین ظالمانه، همچون حکومت‌های خودسرانه و استبدادی، ستمگری را پیشه خود سازد به طرح مفهوم نافرمانی مدنی کمک کرد. از این رو شناخت دقیق نافرمانی مدنی در هر حکومت مبتنی بر قانون اهمیت اساسی دارد.

اهداف پژوهش

هدف نظری پژوهش حاضر تدقیق در معنا و مفهوم «نافرمانی مدنی» و رابطه‌ی آن با مفاهیم دیگر مانند حکومت قانون، اطاعت، براندازی و نیز شناخت محدودیت‌ها، شاخص‌ها و تفاوت‌های آن با دیگر اشکال اعتراض سیاسی است. هدف عملی پژوهش حاضر نیز شناخت جلوه‌های پذیرش یا ممانعت از پذیرش مشروعیت نافرمانی مدنی در حقوق اساسی و قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران است.

سئالات و فرضیات پژوهش

سئوال اصلی:

نافرمانی مدنی چه جایگاهی در قوانین اساسی و موضوعه ایران دارد؟

سئالات فرعی:

۱- نافرمانی مدنی چه نسبتی با حکومت قانون و تبعیت از آن دارد؟

۲- نافرمانی مدنی چه جایگاهی در فقه و حقوق اسلامی دارد؟

پیشینه پژوهش

اگرچه موضوع پژوهش حاضر تاکنون مستقیماً مورد توجه و تمرکز کتاب، مقاله یا پایان نامه‌ای قرار نداشته است اما آثار متعددی به اجزای پژوهش حاضر پرداخته‌اند.

موضوع نافرمانی مدنی محور بحث کتاب‌ها و مقالات متعدّد و یک پایان‌نامه قرار گرفته است. از میان آثار کلاسیک، کتاب «نافرمانی مدنی» نوشته‌ی هنری دیوید ثورو قدیمی‌ترین متنی است که به این موضوع پرداخته است. جان رالز در کتاب «نظریه‌ی عدالت»، مهدی نظریور در مقاله‌اش با عنوان «نافرمانی مدنی»، هانا آرنست در آثاری همانند «وضع بشری، سپهر عمومی و توتالیتراریسم»، رونالد دورکین در مقاله نافرمانی مدنی به موضوع مفهومی و نظری نافرمانی مدنی پرداخته‌اند.

رابطه‌ی نافرمانی با قانون و نظم را نیز نورمن بوآووی و رابرت سیمون در نافرمانی مدنی تاملی در رابطه قانون و نظم تحلیل کرده‌اند. تاریخچه‌ی به کار بردن روش‌های نافرمانی مدنی را نیز می‌توان در کتاب‌هایی که درباره‌ی تاریخ استقلال دهنده‌ی جنبش برابری در آمریکا، جنبش ضد جنگ ویتنام و جنبش‌های حافظ محیط زیست یافت.

نافرمانی مدنی در فقه و حقوق اسلامی هم مورد توجه برخی آثار قرار گرفته است. حسینعلی منتظری در رساله‌ی «حقوق شرعی مخالف سیاسی و احکام فقهی بغی، محاربه و فساد» و محسن کدیور در کتاب «حق الناس» به این موضوع پرداخته‌اند. شرح‌های بیشتری در این خصوص که البته با توضیح قوانین موضوعه و اساسی ایران و رویه‌ی قضائی حاکم بر محاکم دادگستری همراه شده است را دکتر گلدوست جویباری در کتاب

جرائم علیه امنیت کشور، دکتر جعفر حبیب زاده در کتاب محاربه در حقوق کیفری ایران و محمدحسن مرعشی در کتاب دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام مطرح کرده‌اند.

نظرگاه‌های انتقادی‌تری هم وجود داشته‌اند که قانون اساسی و قوانین موضوعه یا رویه‌های حاکم بر محاکم دادگستری را ناپذیرای مفهوم نافرمانی مدنی یا هر گونه مخالفت سیاسی یا غیرسیاسی دیگر می‌دانند. مانند آنچه امیرناصر کاتوزیان در کتاب «گذری بر انقلاب ایران» نوشته است یا نقدهایی که مهرانگیز کار در کتاب «موانع حقوقی توسعه سیاسی در ایران» ارائه نموده است.

جدای از این کتاب‌ها و مقالات پایان‌نامه‌ای با عنوان «نافرمانی مدنی در پرتو حقوق بشر» نیز نگاشته شده است. این پایان‌نامه بیشتر مباحثی که حول محور صاحب‌نظران است را مطرح کرده و نگاهی کاملاً متفاوت با این پژوهش دارد.

اغلب مباحث ارائه شده توسط این آثار چندان به کالبد شکافی مفهومی «نافرمانی مدنی» و نسبت آن با قانون، نظم، اخلاق و حقوق طبیعی و رابطه‌ی آن با دیگر اشکال اعتراض سیاسی توجه نکرده‌اند. زیرا همان‌طور که مورد بررسی قرار می‌گیرد درست است که نافرمانی ریشه‌های تاریخی بسیاری دارد اما باید دقت کرد که نافرمانی مدنی مفهومی به کلی جدید و مُدرن است که با دیگر شکل‌های اعتراض سیاسی مانند بغی تفاوت دارد و فلسفه وجودی خاصی دارد.

سازمان‌دهی پژوهش

پژوهش حاضر در دو فصل به تحریر درآمده است. در فصل اول، به مفاهیم، مبانی و چالش‌ها و موانع فراروی نافرمانی می‌پردازیم. تعریف نافرمانی مدنی، انواع آن، ویژگی‌ها، هایش، تحقق آن در رژیم‌های سیاسی مختلف، تحولات تاریخی آن و نیز رابطه‌ی آن با حاکمیت قانون، مصلحت عمومی، حقوق طبیعی، حقوق اقلیت و اکثریت و موانع قانونی و نهادی فراروی آن دیگر بخش‌های این فصل است.

در فصل دوم به انعکاس نافرمانی مدنی در اسناد و مکتوبات حقوقی می‌پردازیم. نافرمانی مدنی در اسناد بین‌المللی، نافرمانی مدنی در اسلام و سیره‌ی معصومین و فقه و حقوق اسلامی، اشکال نافرمانی مدنی در قانون اساسی و قوانین موضوعه و جلوه‌های جدید نافرمانی مدنی در حوزه‌ی فرهنگ و فضای مجازی می‌پردازیم.

فصل اوّل:

مفاهیم، مبانی نظری

در فصل حاضر ذیل سه مبحث به بررسی مفهوم نافرمانی مدنی پرداخته می‌شود.

در مبحث اول مبانی نظری نافرمانی مدنی، تعاریف سیاسی و حقوقی آن، انواع و ویژگی‌های نافرمانی مدنی و تحقق آن در انواع رژیم‌های سیاسی بررسی خواهد شد.

در مبحث دوم خاستگاه نافرمانی مدنی و بزنگاه‌های تاریخی آن بیان می‌گردد.

در مبحث سوم به چالش‌هایی را که مشکلات فراوانی در برابر نافرمانی مدنی ایجاد کرده‌اند مانند تعارض آن با حاکمیت قانون، ارتباط آن با حقوق طبیعی، مصلحت عمومی، حاکمیت اکثریت و موانع نهادی و قانونی پیش روی آن پرداخته می‌شود.

مبحث اول: مفاهیم

یکی از عوامل مهمی که جامعه، قانون و نافرمانی مدنی را به هم مرتبط می‌کند اخلاق است. اخلاق پدیده‌ای است که همه جوامع برای حفظ و حراست از داشته‌های خود در تمامی زمینه‌ها از جمله زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. جوامعی با نام وجدان، جوامعی با نام اخلاق دینی، جوامعی با نام عادت و رسم و رسوم و جوامعی با نام قانون. هر جامعه‌ای با راه و منش خاص خود در پی رسیدن به مقصود خود یعنی اعتلای جامعه است. بی‌اخلاقی یا بداخلاقی آفتی در راه رسیدن به این مقصود می‌باشد که باید مورد مداوا قرار گیرد، حال زمانی پیش می‌آید که این بی‌اخلاقی از سوی حاکمان جامعه صورت می‌پذیرد، همانند وضع قوانین نژادپرستانه و تبعیض‌گرایانه. آیا در این حالت افراد جامعه می‌توانند از این قوانین و سیاست‌ها پیروی نکنند؟

برای این‌که نظام قانون‌گذاری از یک حیات ارگانیک و پویا برخوردار باشد، باید وظایف و کارکردهای معینی را انجام دهد. چنانچه نظام مذکور در انجام آن‌ها قصور یا تقصیر ورزد، در حقیقت دچار نقض و مشکل گردیده و آشکارا کل حیات اجتماعی یک کشور را در معرض تهدید خطر قرار می‌دهد. نمونه‌هایی از این مشکلات عبارتند از: قانون‌گذاری دیر هنگام، عقب‌ماندگی تقنینی و وضع قوانین غیر منطبق با زمان (پیش یا پس از زمان ضرورت)، وجود تناقض در قوانین مربوط به یک حوزه و افراط تقنینی (به این معنا که در حوزه‌هایی که لازم نیست، قانون‌گذارنده می‌شود و در جاهایی که نیاز به تنظیم و کنترل هست، توجه قانون‌گذارانه نمی‌شود)، قوانین مغایر با وجدان

عمومی، باورهای جامعه، اعتقادات و اخلاق. به منظور جلوگیری از صدمات بیشتر اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در نتیجه نقایض و مشکلات یاد شده، توجه و اقدام فوری برای رفع آنها یک ضرورت است.^۷ این نگاهی انعطاف‌پذیر نسبت به قوانین است که برای تغییرات قوانین نادرست در جامعه توجیه ایجاد می‌کند. مطابق این نگاه می‌توان بیان کرد که قانونگذاری یک نهاد هدفمند است و قانونی وضع می‌کند که از تمامی جهات قابل اتکا می‌باشد و اگر قوانین ناصحیحی وضع کند قدرت و توانایی تغییر آن را دارد. این در حالی است که عده‌ای بطور کامل اخلاق و قانون را جدای از هم میدانند.^۸

از دیدگاه دورکین مردم می‌توانند از تبعیت قانونی که مخالف وجدان آنهاست، خودداری کنند، البته در مقابل ممکن است مجازات شوند. مطابق این دیدگاه، مخالفت با اخلاق، وصف قانون را از قانون بودن سلب نمی‌کند، هر چند که مجوز نافرمانی داده می‌شود.^۹ از دیدگاه جامعه‌گراها اخلاق یک جامعه باید وارد قوانین شود. این اخلاق جزء متشکله شخصیت انسان‌هاست و نمی‌توان آنرا در قانون‌گذاری کنار نهاد. اما آنچه که در این پژوهش بعنوان پیش‌فرض قرار گرفته شده این است که قانون چیزی جز یک ابزار برای نیل به اهداف اخلاقی و جامعه‌ای ایده‌آل نیست.^{۱۰}

در این میان باید توجه کرد که منظور از اخلاق، ویژگی‌های حاکم بر هر کشور که بر اساس فرهنگ و زیرساخت‌های آن جامعه شکل می‌گیرد نیست؛ زیرا که این ویژگی‌ها، اخلاق حاکم بر جامعه را در معرض نمایش قرار می‌دهند و ممکن است بعد از برهه‌ای، دیگر بعنوان ویژگی اخلاقی حاکم شناسایی نشده و به شدت سرکوب گردند. همانطور که زمانی برده‌داری، استعمارگری، تبعیض نژادی و جنسی و موارد مشابه بعنوان اخلاق برتر بر جوامع حکمرانی می‌کردند، اما امروز حتی فکر کردن به این قبیل امور نشان دهنده عقب‌ماندگی و فقر اجتماعی است، با دقت در تاریخ کشورها کاملاً ملموس است که کشورها، فرهنگ‌ها، حکومت‌ها، مردم، افکار و حتی بی‌ارزش‌ترین چیزها در زندگانی بشری همواره و بطور الزامی در حال تغییر بوده و هستند. با این تفاسیر می‌توان دریافت که اخلاق نیز یک امر لایتغیر نیست و همواره دستخوش تغییرات می‌شود و به تناسب آن، جوامع، قوانین و حکومت‌ها هم اجباراً به خانه تکانی می‌شوند. اما در اکثر موارد و در اکثر کشورها این تغییرات با ایستادگی و عدم پذیرش از طرف

^۷ - راسخ، محمد، بنیاد نظری اصلاح نظام قانون‌گذاری، انتشارات دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، زمستان ۱۳۸۴ ص ۱۰۹.

^۸ - برای مطالعه نظرات مخالف ارتباط اخلاق با قانون، رک به راسخ، پیشین، ص ۱۱۱.

^۹ - «زیرا بین اعتبار و درستی قانون تفاوت است و هر قانون معتبری ضرورتاً یک قانون اخلاقاً درستی نیست.» برای مطالعه بیشتر رک به راسخ، پیشین، ص ۱۰۹.

^{۱۰} - همان، ص ۱۱۱.